

بررسی هویت تات‌های ایران

بهرام نوازنی*

E-mail: Info@navazeni.ir

چکیده:

یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی، آن است که اقوام مختلف آن اغلب در سرنوشت سیاسی یکدیگر احساس اشتراک کرده و به ایفای نقش مؤثر در رشد و شکوفایی تمدن ایرانی پرداختند و گاهی نیز به خاطر تفاوت‌ها و اختلافات قومی، رو به درگیری آورده و حتی با وجودی که در اقلیت بودند، برای دستیابی به اوج قدرت سیاسی و در دست گرفتن سرنوشت خویش، حیات سیاسی کشور را به ورطه سقوط و تجزیه کشاندند. از این میان، تات‌ها، بازمانده تمدن باستانی ماد هستند که در کنار همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر ایرانیان و تلاشی که برای حفظ و قوام هویت ایرانی کرده‌اند، در حفظ بستگی‌ها و عناصر هویتی خود نیز از جمله حفظ گویش تاتی به طور شفاهی نیز اهتمام فراوان داشته‌اند.

در این پژوهش، تلاش می‌شود تا علاوه بر ریشه‌شناسی واژه تات، پیشینه تاریخی تات‌ها و جمعیت و پراکندگی جغرافیایی نفوس آنان، و عوامل همگرایی تات‌ها با دیگر اقوام مجاور پرداخته و رفتار و ابزار مورد استفاده آنان در پیگیری اهداف و تقاضاهای خود، بررسی شوند.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، هویت قومی، تات، ایران، قزوین

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)



مقدمه

بر اساس نظریه شکل‌گیری هویت^۱، که پیشتر از همه اریکسون (۱۹۶۸) و مارشا (۱۹۸۰) به آن پرداخته‌اند، هویت به مرور و در طول زمانی که فرد در جستجوی زندگی جمعی خود بر می‌آید، شکل می‌گیرد. هویت بنا به تعریف مارشا (۱۹۸۰: ۱۵۹)، سازمان‌پویای خودساخته، درونی و خودبنیانی از انگیزه‌ها، توانایی‌ها، اعتقادات و تاریخ انفرادی است. چنین سازمانی که از لحاظ احساس، اعتقاد و رفتار منحصر بفرد است، اگر در فرد مصداق یابد، به آن هویت فردی و اگر در جمع تحقق یابد، به آن هویت جمعی گویند و هویت قومی و ملی از نمونه‌های هویت جمعی است. این سازمان هویتی، چنانچه در فردی شکل بگیرد، به وی احساس یگانگی و اتحاد با خودی^۲ و قدرت تمیز و جدایی از دیگری^۳ می‌دهد. هویت امرن‌پویاست و در مقابل تغییرات زمان و مکان و چگونگی روابطی که در اجتماع رخ می‌دهد، دستخوش دگرگونی می‌شود و چنانچه فردی از ساختار هویتی ناپایداری برخوردار باشد، نمی‌تواند خود را در برابر این تغییرات مصون و محفوظ نگاه دارد و در نتیجه، مجبور می‌شود به منابع تغییر خارجی و شرایط جدید حاکم بر پیرامون خود تن دهد. این هویت انحصاری، به دلیل بستگی‌هایی که به خود و گسست‌هایی که نسبت به دیگری، هم در ذهن احساس می‌کند و هم در عالم واقع وجود دارد، دایره‌هایی با مرکزیت خود و شعاع‌های مختلف در اطراف خود ایجاد می‌کند. به نظر فرگوسن و منزباخ (۲۰۰۴: ۱۷-۱۸) نیز هویت‌ها، موضوعی روانی و فراتر از مرزبندی‌های سرزمینی بوده و هویت‌های مختلف «با هم متداخل و متقاطع‌اند».

تحقیقات میدانی بسیاری که توسط فینی (۱۹۹۲ و ۱۹۹۰) و دیگران (۲۰۰۱)، در ایالات متحده، کانادا و اسرائیل صورت گرفته است، وجود رابطه میان سن و هویت قومی و همبستگی مستقیم میان آن دو را تأیید کرده است. گرچه یافته‌های برانچ (۲۰۰۰)، هیچ ارتباطی میان سن و هویت قومی نشان نداده است؛ اما برخی دیگر مانند دیوی و ایگر (۲۰۰۳)، حتی همبستگی منفی نیز برای آن در نظر گرفته‌اند. در عین حال، تحقیقات درباره رابطه جنسیت و هویت قومی، بسیار اندک و در برخی موارد با یکدیگر در تضاد بوده‌اند. فینی (۱۹۹۶)، در مطالعات خود درباره هویت اقوام و گروه‌های سنی مختلف در جامعه آمریکایی، برای هویت قومی چهار عنصر برشمرده

1- Identity Formation Theory

3- Other

2- Self

است که عبارتند از ۱) آگاهی قومی به طوری که از وجود قوم خود و اقوام دیگر مطلع باشد، ۲) خودشناسی قومی به طوری که برای گروه خود نامی برگزیده باشد، ۳) ایستارهای قومی به طوری که درباره قوم خود و دیگر اقوام، احساسات متفاوتی داشته باشد، ۴) رفتار قومی به طوری که الگوهای رفتاری متفاوتی با دیگر اقوام داشته باشد. رسول جعفریان (۱۳۸۱: ۵-۷) نیز عناصر درونی و پیرامونی شکل‌دهنده هویت جمعی را در سه بستگی (۱) جغرافیایی، (۲) نژادی، قومی و طایفه‌ای و (۳) فکری، دینی، اخلاقی و اجتماعی تقسیم کرده و با توجه به ارتباط و تعامل با دیگر افراد و اجتماعات، این هویت را همواره با چالش‌های جدی مواجه دانسته است.

چنانچه قومی در چنین شرایطی که بحران‌ها و چالش‌های جدی آن را از هر سو فراگرفته است، بتواند بستگی‌ها و عناصر قومی یادشده را در خود حفظ و بازسازی نماید، از آن به هویت قومی کل‌نگر^۱ یاد می‌شود که بر طبق آن، اعضای قوم به طور دسته‌جمعی در قبال مسایل اقتصادی و سیاسی واکنش نشان می‌دهند و برای افزایش منافع قوم خود، به صورت یک کل، برنامه‌ها و سیاست‌های عمومی خود را طراحی و اجرا می‌کنند. در این صورت، هویت قومی، رنگ سیاسی به خود گرفته و اعضای این قوم در مقابل یا در جانب حکومت ملی قرار گرفته و به مواجهه با یا مساعدت به آن می‌پردازد. برای نمونه، رفتار خشونت‌آمیز دو قوم صرب و آلبانیایی تبارهای کوزوو که اولی خواهان حفظ اتحادیه یوگوسلاوی و دیگری خواستار جدایی از آن بود، از این گونه هویت قومی کل‌نگر نشأت می‌گیرد و رفتار اقوام دیگری مثل مکزیکی‌های مقیم آمریکا که به این شدت از احساسات و علایق مشترک برای گسستن دست نیافته‌اند، به درجاتی با این وضعیت نهایی فاصله می‌گیرند.

در مقابل، دست‌کم دو مفهوم ملی و جهان‌وطنی قرار دارد که از هر سو هویت قومی را به چالش کشانده است. مفهوم ملت که تا قبل از قرن هفدهم، بیشتر به معنای "زادگاه" و یا "تبار" بود، پس از کنفرانس وستفالی ۱۶۴۸، جنبه سیاسی یافت و با پیروزی انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ مفهوم جدید «حاکمیت ملی» و ملت به تدریج سراسر قاره اروپا و دیگر قاره‌ها را فراگرفت؛ به طوری که روند تحکیم دولت ملی^۲ از طریق تحکیم علقه‌ها و بستگی‌های مشترکی از قبیل زبان، اقتصاد، فرهنگ و حکومت، تا کنون ادامه یافته است. ایده جهان‌وطنی نیز که از دیرباز با ظهور ادیان بزرگ الهی و



امپراطوری‌های باستانی در پی تشریح حکومت واحد جهانی و تسخیر ملت‌های دیگر بود، در قرن بیستم از سوی دو اردوگاه کاپیتالیسم و سوسیالیسم پی گرفته شد و پس از فروپاشی شوروی، با آهنگی شدیدتر از سوی ایالات متحده و متحدین غربی آن تحت عنوان جهانی‌سازی در تلاش است تا هرگونه مرزبندی‌های سنتی را محو و جهان را به نحوی مطلوب با هنجارهای خود یکپارچه سازد (نوازی: ۱۳۸۲).

جامعه ایرانی نیز از جمله جوامعی است که اقوام مختلف در درون جغرافیای سیاسی کشور، در کنار یکدیگر سکنی گزیده و به زندگی مسالمت‌آمیز با یکدیگر تن داده‌اند. هر یک از این اقوام، در طول تاریخ طولانی حیات سیاسی ایران، سهمی در رشد و شکوفایی تمدن ایرانی برعهده داشته و در استمرار آن نقش مهمی ایفا کرده‌اند. این اقوام به‌رغم آنکه هم پیش از ظهور اسلام و هم پس از آن، اکثراً هم‌کشیش و هم‌آیین یکدیگر بودند؛ اما به خاطر تفاوت‌هایی، در برهه‌های مختلف و حساس، به منازعه رو‌آوردند که نمونه‌های معاصر آن را می‌توان در جریان انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی مشاهده کرد.

از میان این اقوام، تات، بازمانده تمدن باستانی ماد است که پراکندگی آن زمانی از داغستان و شیروان و آذربایجان و همدان، کرمانشاه و قزوین و زنجان تا سمنان و خراسان را در برمی‌گرفت؛ ولی امروزه پس از گذشت چند هزار سال، نه اثری از آن تمدن کهن باقی است و نه شناختی از این پیشینه فرهنگی و تمدنی وجود دارد به گونه‌ای که بازماندگان تات‌ها حتی گویش‌های مختلف تاتی را که در تماس با گویش‌ها و زبان‌های دیگر دستخوش تغییراتی شده است، به درستی تشخیص نمی‌دهند. در زمینه گویش تاتی، تحقیقات بسیار باارزشی صورت گرفته؛ اما درباره نقشی که این تات‌ها در همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر اقوام و حفظ و قوام هویت ایرانی ایفا نموده، پژوهشی مشاهده نشده است و به‌رغم آنکه آمار تات‌های ساکن در خارج از کشور، از جمله در جمهوری آذربایجان، استخراج شده است؛ اما آماری از جمعیت تات‌های ایران وجود ندارد. در این پژوهش، تلاش می‌شود تا علاوه بر ریشه‌شناسی واژه تات، پیشینه تاریخی تات‌ها، جمعیت و پراکندگی جغرافیایی نفوس آنان، به اهداف و تقاضاهای قومی و عوامل همگرایی یا واگرایی این قوم با دیگر اقوام مجاور نیز پرداخته شود و با مطالعه رفتار و ابزار مورد استفاده این قوم در پیگیری اهداف و تقاضاهای خود، کارکرد نظریه‌گزینش عقلانی در فرایند بحران‌های قومی مورد سنجش قرار گیرد.

روش‌شناسی این مطالعه ترکیب و تلفیقی است از دو روش مطالعه کتابخانه‌ای و

پیمایش منطقه‌ای که به صورت مکمل یکدیگر مورد استفاده قرار گرفته است. در روش کتابخانه‌ای، به اسناد و منابع نوشتاری که از طرف فرهنگ‌نویسان، تات‌شناسان، خاطره‌نویسان، تاریخ‌نویسان و جامعه‌شناسان به نگارش درآمده، استناد شده است. بر اساس این آثار نوشتاری، پرسش‌نامه‌ای تهیه شد تا یافته‌های نظری با واقعیت جامعه تات‌نشین مقایسه و تطبیق گردد. در این پرسش‌نامه، به متغیرهایی نظیر جنسیت، سن، محل تولد و سکونت، وضعیت تأهل، مذهب، ترجیح زبان و گویش، توجه و از پرسش‌شوندگان خواسته شد تا به دقت تمایلات، احساسات و علایق ذهنی و رفتاری خود را مشخص نمایند. این پرسش‌نامه ابتدا به صورت آزمایشی بود و پس از چند بار آزمون اولیه، نهایی شد. با مراجعه به مناطق مختلف تات‌نشین از جمله تاجیکستان، الموت، دانشفهان، شال و خیارج، بالغ بر ۲۵۹ پرسش‌نامه به صورت تصادفی تکمیل شد و با کدگذاری هر یک از متغیرهای پرسش‌شده، پاسخ‌ها وارد برنامه رایانه‌ای آماری SPSS گردید تا علاوه بر فراوانی داده‌ها، صحت و سقم آنها نیز به کمک آمار مورد ارزیابی قرار گیرد. به این ترتیب، این مطالعه درصدد است تا علایق و رفتار تات‌ها را که به همدلی و همراهی یکایک آنان با اجتماعی که خود را بسته بدان می‌پندارند، منجر شده و موجب کنش آگاهانه جمعی آنها گردیده، مورد ارزیابی قرار دهد.

بستگی‌های هویتی تات‌ها

آریایی‌هایی که از سرزمین ایرانویژ یا ایرانویج به حرکت درآمده و دسته دسته به سرزمین ایران (ایریا ورته به معنی سرزمین آریایی‌ها) وارد شدند، رفته رفته به چند تیره بزرگ ماد، پارس، سکایی و پارت تقسیم شده و هر یک در منطقه‌ای ساکن شدند. پارت‌ها، شرق و شمال شرقی را برگزیدند و سرزمینشان را پارت خواندند، سکاها در کرانه‌های شمال و شمال غربی خزر (قفقاز و سیستان) پراکنده شدند و آن جا را سگستان، سجستان یا سیستان نامیدند. پارسیان نیز نخست در غرب و جنوب دریاچه شاهی (ارومیه) و سپس در اوایل هزاره اول پیش از میلاد، در پارسوماش (منطقه حدود کوه‌های غربی سلسله جبال بختیاری) سکنی گزیدند. آنها پس از گسترش قلمرو خود به خوزستان، فارس و کرمان، امپراطوری بزرگ «دهیو پارسه» را بنیان گذاردند و در زمان داریوش و پسرش خشایارشا، به استثناء دولت شهری‌های یونان، بر تمامی سرزمین‌های شناخته شده آن زمان تسلط یافتند (هرودوت، ۱۳۶۸: ۲۲۲-۲۲۷؛ ماله و ژول، ۱۳۶۲: ۱۴۱؛ آقاعلیخانی، ۱۳۸۳: ۲۱ و ۲۲).



پراکندگی جغرافیایی

مادها نیز در این میان، در شمال غربی و غرب سکنی گزیده و سرزمین‌شان را ماد نامیدند. سرزمینی که بیش از سه هزار سال پیش به تصرف مادها درآمد، شامل نواحی همدان، کرمانشاهان، لرستان، قزوین، اسپهان (اصفهان) ری و آذربایگان بود که تمام آن را ماد بزرگ (عراق عجم) و آذربایگان را ماد خُرد می‌نامیدند. مادها، پادشاهی مقتدر آشور را سرنگون کردند و با تصرف نینوا، سوریا و آسیای صغیر، به چنان شهرتی دست یافتند که حتی سال‌ها پس از شکست در برابر هخامنشیان، در کتاب‌های عهد عتیق، داریوش را همچنان داریوش مادی و در کتاب‌های یونانیان، جنگ‌های خشایارشا، فرزند داریوش را جنگ‌های مادی^۱ نامیده بودند. در عین حال، این سرزمین به تدریج به سکونتگاه اقوام دیگری نیز تبدیل شد. در زمان اشکانیان، اوغوزها از شمال شرقی ایران و از مرزهای خراسان بزرگ وارد شدند و در زمان ساسانیان، تیره‌های کوچکی از آنان نیز از راه شمال به همسایگی درآمدند و در سده پنجم هجری وارد آذربایگان شده در آن سکنی گزیدند. در سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری، هنگامی که صفویان بر سیاست و حکومت ایران تسلط یافتند، زبان اویغوری اقوام حاکم، در تمام شهرهای بزرگ جای زبان‌های آذری، پهلوی و تاتی مردم را گرفت و این زبان‌های مغلوب، فقط در روستاهای دوردست این مناطق باقی ماند.

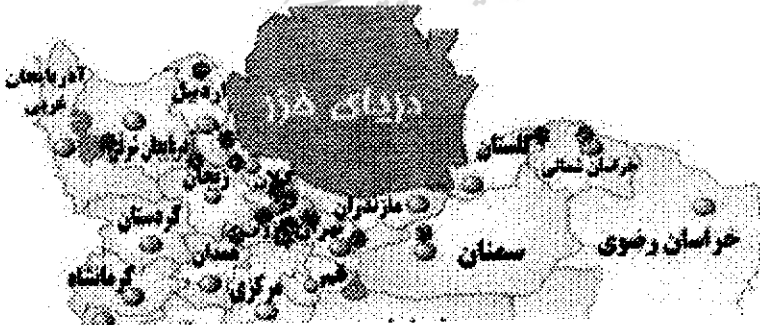
بر این اساس است که احمد کسروی و آفاعلیخانی (۱۳۸۳: ۲۴)، تاتی را ادامه و بازمانده زبان آذری رایج پیش از ورود اوغوزها به آذربایگان معرفی می‌کنند. دانشنامه ایران و اسلام، کاروند کسروی و منوچهر مرتضوی نیز تاتی را زبان همه اهالی آذربایجان و قزوین و زنجان و طارم دانسته‌اند که بعدها با اشاعه زبان اویغوری از میان رفته و صرفاً در میان ساکنان چند آبادی این منطقه بر جای مانده است. از جمله اینها استان قزوین است که در چندین شهرستان، شهر، بخش و روستای خود، پذیرای تات‌ها شده تا در همزیستی با گیل‌ها، مراغی‌ها، آذری‌ها، لرها و شاهسون‌ها به زندگی آرام خود ادامه دهند.

از جغرافیای مسکن و شمار تات‌های کنونی، آمار دقیقی در دست نیست؛ با این حال، بر اساس نظر پژوهشگر تات‌شناسی تاکستان، محل‌های سکونت تات‌های ایران در تاکستان، بوئین زهرا، شال، دانسفهان، اسفروزرین، رامند، طالقان، رودبار الموت

1- Maddy Wars

به‌ویژه در روستای گازرخان و منطقه پُشکل دره آبیگ در قزوین و چند روستا در بخش شاهرود خلخال و رودبار گیلان، هرزند و گرینکان و گلین قیه در مرند، ژنوز و حسنو در قره‌داغ، بخش جرگلان از توابع بجنورد و برخی روستاهای خط مرزی ترکمنستان می‌باشد؛ اما بیشترین سهم، از آن شهرستان تاکستان در استان قزوین است که تات‌ها بیش از ۶۰ هزار نفر از جمعیت ۱۶۰ هزار نفری آن را تشکیل می‌دهند و پس از آن بوئین زهرا با حدود ۳۰ هزار نفر قرار دارد. بر اساس مقدمه فقه‌اللغه ایرانی (آرامنسکی، ۱۳۵۸: ۳۱۵) بخشی از ساکنان شبه جزیره آبشوران، سوراخانی، بالاخانی، باکو، نواخی شماخی، قوبا، قوناخ کند، دیوچی، خیزی و دیگر بخش‌های جمهوری آذربایجان و همچنین ناحیه دربند و برخی دیگر از نواحی داغستان و کاتیاکو و طبرسران نیز تات‌نشین هستند. مقصود حاجی‌افغانستان، رییس مرکز فرهنگی تات‌های باکو، (۱۳۷۸: ۵) نیز تعداد تات‌ها در جمهوری آذربایجان و قسمت دربند و ماهاج قلعه داغستان در سال ۱۹۸۹ را بالغ بر ۸ هزار نفر دانسته که در مقایسه با آمار ۱۰۰ هزار نفری سال ۱۹۳۴ تات‌ها در جمهوری آذربایجان، حاکی از «تغییر ملیت» آنها به آذربایجانی بوده است. به نظر عبدلی (۱۳۸۰: ۱۶) زبان تاتی در قفقاز و جمهوری آذربایجان با تاتی ایران «تفاوت اساسی» دارد و بر اساس تحقیقات میدانی، شمار تات زبان‌های قفقاز حدود ۲۰۰ هزار نفر برآورد شده است.

نقشه پراکنندگی جغرافیایی تات‌های ایران



تاکستان بزرگترین منطقه ایران از نظر تعداد گویشوران زبان تاتی است و با بیش از ۶۰ هزار نفر گویشور تاتی (رحمانی، ۱۳۷۸: ۱۷۷)، در نزد تات‌های استان قزوین نقش محوری داشته و علیخانی (۱۳۷۸: ۱۴۲) آن را «ام‌القرای تات» می‌خواند. این واژه که در کتیبه یونانی مربوط به ۲۵۰ سال قبل از میلاد به نام پثوتین گرایا آمده است، از دو



تک‌واژه «تاک» و «ستان» تشکیل شده که وجه تسمیه‌اش باغ‌های فراوان انگور آن می‌باشد. علی پدram، یکی از شاعران تات‌زبان تاجکستانی درباره قدمت این شهرستان چنین سروده است:

وست و سه سده‌ی سیادن نوم یونان کتیبه خود دویاره

یعنی بیست و سه قرن است که نام سیادن در کتیبه یونان (پنوتین گرایا) پیداست. نام قدیم این شهرستان سیادهن بود و اکنون نیز مردم بومی، آن را سیادن و خود را سیادینج می‌خوانند (طاهری، ۱۳۷۸: ۱۴۸). این چنین مشهور است که نام‌گذاری سیادن به خاطر نام سنگی به نام «آبی‌سی‌دین» بوده که هزاران سال پیش، و بنا بر قولی، در حدود ۱۲ هزار سال پیش، در این منطقه یافت و استخراج می‌شده و به همان اعتبار و با تغییر لحن در طول زمان به سیادن تبدیل شده است.

بستگی زبانی

درباره پیشینه تاریخی و سیر تکوین گویش «تاتی»، اتفاق نظری در میان صاحب‌نظران وجود ندارد. البته این اختلاف نظر درباره اصالت زبان به‌طور کلی نیز وجود دارد. مریت روهلن^۱ با اشاره به ریشه واحد نسل بشر، معتقد است که همه پنج هزار زبانی که امروزه در جهان تکلم می‌شود، از یک زبان اجدادی باستانی ریشه گرفته‌اند و با گذشت زمان بوده که این زبان به چندین و چند زبان دیگر منشعب شده است. در عین حال، از نظر برخی دیگر، ریشه زبان هند و اروپایی از زبان اورتال آلتایی^۳ کاملاً متفاوت است؛ به‌طوری که «تات» و «هرزنی» در گروه اول و «اویغوری» در گروه دوم قرار می‌گیرند. آقاعلیخان (۱۳۸۳: ۳۵) پس از کنکاش درباره بیش از ده نظر مختلف زبان‌شناسان داخلی و خارجی معتقد است که هیچ‌یک از این نظرات، به‌طور قطع با حقیقت سازگار نیست. از جمله اینها علی عبدلی (۱۳۷۸: ۱۳۴) است که آذری‌بودن زبان تاتی را رد کرده و به‌صورت انکاری سؤال می‌کند که «اگر تاتی همان زبان قدیم آذربایجان تلقی شود، تاتی قفقاز، تاتی بجنورد و سمنان و استان قزوین ادامه کدام زبان خواهد بود؟»

واژه «تات» برای اولین بار در تاریخ در کتیبه‌های قرن هشتم میلادی موسوم به «آرخون» در مغولستان مشاهده گردیده که بنا بر پیشنهاد تامسون، به عنوان «بندگان

1- Merrit Ruhlen

3- Oral Altaic

2- Monogenesis

خارجی اوغوزهای غربی» ترجمه شده است (پیرایه مشفق، ۱۳۷۸: ۲۰۲). به نظر آرانسکی (۱۳۵۸: ۳۱۶)، عبدلی (۱۳۷۸: ۱۷)، دلاواله (۱۳۷۰: ۳۴۴ و ۳۴۵)، کمپفر (۱۳۶۳: ۸۸)، ادوارد پولاک (۱۳۶۱: ۱۵) و هیتس (۱۳۷۱: ۶۱)، واژه تات با تاجیک و فارس مترادف بوده و اوغوزهای صحرائشین حاکم، از این واژه برای اطلاق بر مردم فارس زبان زراعت پیشه استفاده می‌کردند. به نظر عبدلی، اصل واژه تات، از عبارت چینی «تا - تان» بوده که به معنی بیگانه فرودست برای تحقیر مغولان به کار برده می‌شده و «گویا کلمه‌ی تاتار نیز از آن مشتق شده است. «مغولان نیز در زمان حکمروایی بر ایران، این عبارت را خطاب به ایرانیان به کار بردند و ایرانیان نیز که با معنی اصلی این کلمه آشنا نبوده‌اند آن را خواسته یا ناخواسته پذیرفته و تحت آن نام، هویت ایرانی غیر ترک خود را معرفی کرده‌اند. چنان که عموم ایرانیان نام عجم در برابر عرب را بر اثر سلطه اعراب پذیرفتند» (عبدلی، ۱۳۷۸: ۱۳۵).

در نظر مقصود حاجی‌اف، رییس مرکز فرهنگی تات‌های باکو (۱۳۷۸: ۱۴) نیز واژه تاجیک، مرکب از دو کلمه «تات» و «جیک» بمعنی تات کوچک است و «ترکمن‌ها کسانی را که از والدین او یکی غیر ترکمن باشد تات می‌نامند یعنی مخلوط و ترکمن غیر خالص». کارنگ (۱۳۳۳: ۳۲) نیز با استناد به ضرب‌المثل ترکی «بوسوز هیچ تاتین کتابندا یوخدو» به معنی «این حرف در کتاب هیچ تاتی نیست»، این نکته را تأیید می‌کند. همان‌طور که قشقای‌ها و لرها نیز غیر خود از فارس‌زبانان ایرانی را این چنین می‌نامند (پیرایه مشفق، ۱۳۷۸: ۲۰۴). فرهنگ‌های دهخدا، مصاحب و معین نیز واژه تات را یک واژه اوغوزی دانسته‌اند که به گروه‌هایی از مردم ساکن ایران و قفقاز اطلاق می‌کند که به گویش تاتی تکلم می‌کنند. به همین خاطر، برخی با هم‌ریشه دانستن تاجیک و تات معتقدند که هر جا ایرانویج را تصور کنیم، تات‌ها یا تاجیک‌ها در همان حول و حوش وجود دارند (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۰۳-۱۱۳؛ دبیرسیاچی، ۱۳۷۳: ۱۱۵-۱۷۵؛ سجادیه، ۱۳۷۳: ۱۷۷-۱۸۳). در منابع باستانی، نام «دای تیا» (رود مقدس در ایرانویج) آمده است که شاید با واژه‌های تات و تاجیک هم ریشه باشد (اوستا، ۱۳۸۱: ۶۵۹؛ سجادیه، ۱۳۷۳: ۱۷۷). شاید بر همین اساس است که منوچهر ستوده (۱۳۷۸: ۳۴) می‌نویسد: «تات‌ها نه یک قومند، نه یک طایفه و نه یک ایل، بلکه جماعات مختلفی از ایرانی‌زبانان‌اند». بنابراین نباید به اینان به زبان ترکی (اشاره به واژه تات) به آنان «بدگویی و طعن و لعن» نمود.



جدول ۱: واژگان تطبیقی در فارسی، آذری، تاتی تاکستان و تاتی دانسفهان

فارسی	آذری	تاتی تاکستان
صبح	صبح	صابا
ظهر	گونارتا	نَمَرَج
شب	گَج	شوم
مادر	آنا	مایه
پدر	دَد	پی
خواهر	باچو	خاک
برادر	قارداش	برا
نان	چِرک	نون
آب	سو	وی
آسمان	گوی	آسمون
زمین	یر	زمین

عباس طاهری (۱۳۷۸: ۱۴۹)، در «بررسی گویش تاتی تاکستان» به این نتیجه رسیده که این شهرستان در مرکز ماد سفلی قرار داشته و «مادها ... به زبانی تکلم می‌کرده‌اند که شاید بتوان گفت که همان تاتی بوده است چون تات‌ها و تالش‌ها کاملاً مینا و مایه مادی خود را حفظ کرده‌اند. واژه‌های اسپکه به معنای سگ، زان به معنی دانستن و اسپ به معنی اسب که هر سه مادی هستند در تاکستان به صورت اسپه، بُزُشتن و اسپ بکار می‌روند». همچنین در تأیید اینکه پیشینه زبان تاتی به زمان مادها می‌رسد، یارشاطر در کتاب سرزمین قزوین می‌نویسد:

در نواحی شمال غربی ایران، زبان رایج اکثر ایرانیان ترکی [آذری] است؛ ولی در گوشه و کنار این نواحی هنوز گروه‌هایی هستند که به زبان کهن‌تر این سامان سخن می‌گویند. غالب این زبان‌ها با وجود اهمیتی که دارند، هنوز انتشار نیافته‌اند. این جانب طی چند سال گذشته در ضمن جستجویی که برای یافتن بازمانده‌های زبان ایرانی در سرزمین قدیم ماد در پیش گرفته بودم، موفق شدم به عده‌ای از این زبان‌ها دسترسی پیدا کنم و آنها را ضبط نمایم. این زبان‌ها در سرزمینی که میان رود ارس در شمال و سمنان و سنگسر در شرق و حدود ساوه و همدان در جنوب و مغرب گسترده است، پراکنده‌اند و با یکدیگر رابطه قوی دارند و اکثر آنها را می‌توان از یک گروه به شمار آورد. از آنجا که در سرزمین ایران زبان‌ها در ماد قدیم قرار دارد و قواعد صوتی و دستوری آنها نیز منافی با آنچه در زبان مادها می‌دانیم، نیست. به جا خواهد بود اکثر این زبان‌ها را به عوض تاتی که نارساست و ظاهراً ترک‌زبانان مصطلح کرده‌اند مادی بخوانیم (به نقل از علیخانی، ۱۳۷۸: ۲۳).

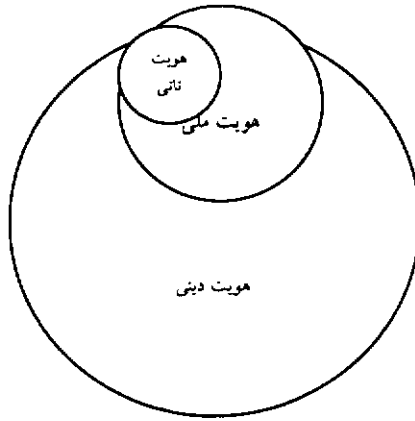
بستگی دینی

قریب به اتفاق تات‌های استان قزوین، مسلمان و پایبند به آموزه‌های اسلامی هستند؛ اما در میان آنها پیروان آیین زردشت، نیز به چشم می‌خورد. این در حالی است که در میان تات‌های جمهوری آذربایجان می‌توان پیروان یهودی و ارمنی نیز مشاهده کرد. به نوشته مقصود حاجی‌اف (۱۳۷۸: ۶)، تات‌های یهودی از بنی‌اسرائیل نبوده؛ بلکه دین موسوی را از یهودیانی که از طریق کزیم از روم به قفقاز وارد شده بودند، پذیرفتند و هنوز در آذربایجان و داغستان به یهودیان کوهستانی یا جهود معروفند.

بستگی ملی و یافته‌های میدانی

صرف نظر از برخی پاسخ‌های سفید، از میان پرسش‌شوندگان، ۱۲۸ نفر مرد و ۱۱۹ نفر زن بودند که به ترتیب ۴۹/۶ درصد و ۴۶/۱ درصد کل را تشکیل می‌داد. سن پرسش‌شوندگان نیز در سه سطح ۱۵-۲۹ سال ۱۵۱ نفر، ۳۰-۴۹ سال ۷۶ نفر و ۵۰-۷۰ سال ۲۱ نفر، قرار داشتند که به ترتیب ۶۰/۹ درصد، ۳۰/۶ درصد و ۸/۵ درصد آنان را تشکیل می‌داد. از نظر بالاترین مدرک تحصیلی، ۲۰ نفر (۷/۹ درصد) بی‌سواد، ۴۴ نفر (۱۷/۳ درصد) کم‌سواد، ۸۷ نفر (۳۴/۳ درصد) دبیرستانی، ۹۸ نفر (۳۸/۶ درصد) کارشناسی و ۵ نفر (۲ درصد) کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. از نظر پراکندگی محل اسکان، ۱۳/۴ درصد ساکن تاکستان، ۵/۵ درصد ساکن قزوین، ۰/۸ درصد ساکن تهران، ۴۵/۳ درصد ساکن دانشفهان، ۱۱/۴ درصد ساکن خیارچ، ۱۲/۲ درصد ساکن الموت، ۷/۵ درصد ساکن شال، ۰/۸ درصد ساکن بوئین زهرا و ۳/۱ درصد ساکن خوزنین بودند. از نظر تشکیل خانواده نیز ۴۴،۹ درصد پرسش‌شوندگان مجرد و ۵۵/۱ درصد آنان متأهل بودند (جدول شماره ۱).

یافته‌های این پژوهش میدانی وجود بستگی‌های قومی و همچنین همسانی موجود میان تات‌ها و دیگر اقوام ساکن در قلمرو سیاسی ایران را به‌صورت دایره‌های نمودار مقابل تأیید کرده است. رابطه عناصر سه‌گانه بستگی قومی (جغرافیا، زبان و دین) در میان تات‌ها بسیار شدید و معنی‌دار است. آنها عمدتاً در استان قزوین به مرکزیت تاکستان سکونت دارند و ۸۶،۳ درصد در منزل و با خانواده خود به زبان تاتی صحبت می‌کنند که زبان فارسی با ۹ درصد و زبان آذری با ۳ درصد و زبان گیلکی با ۱،۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.



جدول شماره ۱: فراوانی های پایه

مورد	تعداد	درصد صحیح	
جنس	زن	۴۹/۶	
	مرد	۴۶/۱	
سن	۲۹-۱۵	۶۰/۹	
	۴۹-۳۰	۳۰/۶	
	۷۰-۵۰	۸/۵	
مدرک تحصیلی	بی سواد	۷/۹	
	کم سواد	۱۷/۳	
	دیپلمستان	۳۴/۳	
	کارشناسی	۳۸/۶	
تاهل	ارشد و بالاتر	۲	
	مجرد	۴۴/۹	
محل تولد	متاهل	۵۵/۱	
	تاکستان	۲۶/۹	
	قزوین	۱۰/۸	
	تهران	۳/۲	
	دانشفهان	۳۱/۳	
	خیابرج	۸/۸	
	الموت	۸	
	شمال	۶/۴	
	بوئین زهرا	۱/۲	
	خوزین	۲/۴	
	محل سکونت	تاکستان	۱۳/۴
		قزوین	۵/۵

۰/۸	۲	تهران
۴۵/۳	۱۱۵	دانسفهان
۱۱/۴	۲۹	خیارج
۱۲/۲	۳۱	الموت
۷/۵	۱۹	شال
۰/۸	۲	بوئین‌زهرآ
۳/۱	۸	خوزین

۸۹/۹ درصد تات‌های پرسش‌شونده با دوستان خود نیز به زبان تاتی صحبت می‌کنند که خود نشان‌دهنده ارتباط بیشتر آنها با گروه‌های ثانویه تات پس از خانواده است. تات‌ها پس از خود، بیشتر با فارس‌ها به میزان ۷/۸ درصد، ترک‌ها به میزان ۱/۲ درصد، گیل‌ها به میزان ۰/۸ درصد و کردها به میزان ۰/۴ درصد ارتباطات دوستانه برقرار کرده‌اند. نکته بسیار مهم این است که ۹۷/۲ درصد آنان، زبان تاتی را از پدر و مادر و دیگر بستگان نزدیک خود و ۹۴/۲ درصد آنان در سن طفولیت فرا گرفته‌اند. همچنین ۷۵/۴ درصد تمایل به دوستی و ۶۷/۲ درصد تمایل به ازدواج با تات‌ها دارند و ۸۰/۱ درصد، تات‌ها را برای نمایندگی خود در شوراهای قانون‌گذاری کشوری و شهری صالح‌تر می‌دانند. این آمارها به خوبی از شدت علاقه این قوم به یکدیگر و تحکیم مبانی همبستگی خود حکایت می‌کند. تات‌ها برای شناسایی یکدیگر، شیوه‌های مختلفی دارند که از رنگ چشم و پوست و قد و قامت گرفته تا زبان و نام خانوادگی متنوع است. در عین حال، مهمترین شیوه شناسایی، زبان تاتی است و ۷۱/۴ درصد تات‌ها به آن تصریح کرده‌اند و پس از آن، نام‌های طاهرخانی، طاهری، علیخانی، آقاعلیخانی، رامندی، قموشی و دیگر نام‌های منسوب به محل سکونت آنان می‌باشد.

تات‌های ساکن در ایران و خارج از آن به گویش‌های متفاوتی صحبت می‌کنند که بعضاً نه تنها گفتگوی با یکدیگر را مشکل می‌سازد؛ بلکه فهم آن را نیز غیرممکن کرده است. در عین حال، درخصوص اینکه کدام گویش اصیل‌تر است، میان صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. از نظر احمد کسروی، تاتی هرزنی (نقل در ذکاء، ۱۳۶۵) و از نظر جلال آل‌احمد، تاتی اشتهارد اصیل‌تر بوده است و مجید رحمانی (۱۳۷۸: ۱۸۰) معتقد است که تاتی اسفرورین و شال و دانسفهان از سایر نواحی مصون‌تر باقی مانده؛ چرا که در تاتی دانسفهان «بسیاری از واژه‌های کهن و اصیل هنوز بکار برده می‌شوند». این اختلاف‌نظر در این پژوهش نیز تأیید شده است؛ چرا که از نظر اکثر قریب به اتفاق اهالی تاکستان، گویش آنها اصیل‌ترین گویش تاتی می‌باشد. این در حالی است که اهالی خیارج و الموت و دانسفهان هر یک بر اصالت گویش خود اصرار ورزیده‌اند.



۷۷/۷ درصد تات‌ها خود را وابسته به قومی به نام تات می‌دانند و فقط ۸/۸ درصد با فارس و ۲ درصد با ترک تفاوتی نمی‌گذارند. با این حال، اکثریت ۶۵/۱ درصد تات‌ها، ارتباط قومی خود را با قوم ماد انکار می‌کنند و فقط ۶/۸ درصد آنها خود را وابسته به قوم ماد می‌دانند. این امر از یک سو حاکی از رسوخ قومیت تات در میان تات‌ها و از سوی دیگر حاکی از بی‌اطلاع آنها از گذشته خود می‌باشد. ۸۵/۳ درصد تات‌ها اطلاعی از دیگر تات‌های مقیم خارج از کشور و ۳۳/۷ درصد آنان حتی اطلاعی از وجود تات‌نشین‌های دیگر غیر از محل سکونت خود ندارند. ۸۴/۹ درصد تات‌ها مجلات و نشریاتی را که به زبان تاتی منتشر می‌شود، نمی‌خوانند و ۹۳ درصد آنان نسبت به فعالیت حزبی کشوری و ۷۹/۵ درصد آنان نسبت به فعالیت‌های اجتماعی، اظهار بی‌علاقگی کرده‌اند.

جدول ۲: بستگی‌های ملی و مذهبی

مورد	تعداد	درصد معتبر	
مذهب	اسلام	۲۴۳	۹۸/۴
	زرتشتی	۲	۰/۸
	مسیحی	۰	۰
	یهودی	۱	۰/۴
میزان تمهد به مذهب	زیاد	۱۷۱	۶۶/۳
	متوسط	۷۴	۲۸/۷
	کم	۴	۱/۶
	هیچ	۲	۰/۸
آشنایی با تات‌های خارج ایران	بلی	۲۷	۱۰/۵
	خیر	۲۲۰	۸۵/۳
وطن	ایران	۱۶۴	۶۵/۳
	الموت	۲۶	۱۰/۴
	تاکستان	۳۱	۱۲/۴
	قزوبین	۱۶	۶/۴
	دانسفهان	۱۲	۴/۸
	شال	۲	۰/۸

اکثر قریب به اتفاق (۹۸/۴ درصد) تات‌های ایرانی، همچون دیگر ایرانیان مسلمان هستند. ۹۵ درصد آنان خود را به طور کامل و متوسط پایبند و متعهد به دین اسلام شمرده‌اند. در پاسخ به پرسش آخر، مبنی بر اینکه سه نفر فرد نخبه و سرشناس مورد علاقه خود را معرفی کنید، ۶۰ درصد تات‌ها نتوانسته‌اند حتی یک نفر را معرفی کنند و باقی یک تا سه نفر را که صاحب وجهه مذهبی، کشوری و محلی بوده‌اند، معرفی

کرده‌اند. این واقعیت، نشان‌دهنده نفوذ بستگی‌های مذهبی و ملی بین تات‌ها و تفوق آنها بر برخی عناصر بستگی‌های قومی است.

البته عوامل مختلفی در طول زمان موجب کاهش بستگی‌های شده که از جمله آنها می‌توان به تغییر ساختار شهرها و روستاهای تات‌نشین از جمله شهرستان تاکستان به خاطر صنعتی‌شدن شهر، احداث دانشگاه‌های آزاد اسلامی و پیام نور و مهاجرت غیر تات‌ها به این شهر اشاره کرد. همچنین، باغات انگور فراوان آن که کارگران فصلی را به سوی خود جلب می‌کند و ازدواج‌های برون‌شهری و فامیلی، موجب تضعیف زبان تاتی شده و کمتر کسی است که حتی در خانواده خود به تاتی صحبت کند. در نتیجه، بسیاری از واژگان این گویش در حال فراموشی است. تغییر شغل مردم نیز از زراعت به باغبانی و کار در کارخانه، موجب فراموشی بسیاری از واژگان تخصصی آن بخش‌ها شده است. نبود ادبیات نوشتاری و همچنین در دسترس نبودن آثار تنها شاعران تاکستان (محمدحسین طاهری متولد ۱۳۱۳ و علی پدram متولد ۱۳۲۵) که گاه به زبان تاتی شعر می‌سرایند و عدم تمایل ادیبان و شاعران جوان تات به قصه‌نویسی و سخنرانی به زبان تاتی و حتی بی‌میلی پدران و مادران به آموزش این زبان به فرزندان خود و گفتگوی خانگی به زبان فارسی، موجب فراموشی تدریجی این زبان در میان تات‌ها شده است.

اهمیت این زبان از یک منظر به ایجاد منطقه حائل میان دو حوزه زبانی بزرگ ایرانی یعنی فارسی و آذری است. گرچه زبان تاتی از سوی این دو زبان، در معرض محاصره قرار گرفته و بسیاری از واژگان آذری و فارسی را در خود پذیرفته است؛ اما تا حدودی نیز این منطقه حائل را از نظر زبانی و جغرافیایی حفظ کرده است. البته فقط ذهنیت یک قوم عامل بستگی‌های قومی نیست؛ بلکه اقوام دیگر به ویژه اقوامی که در مجاورت یک قوم قرار گرفته‌اند نیز باید هم در ذهن و هم در عالم واقع، احساس جدایی و گسست از قوم یاد شده باشند که این در مورد تات‌ها و فارص‌ها صدق نمی‌کند. چنانچه یافته‌های این پیمایش میدانی را با یافته‌های فینی (۱۹۹۶) که درباره هویت اقوام و گروه‌های سنی مختلف در جامعه آمریکایی صورت گرفته، مقایسه کنیم، می‌توان گفت که هویت قومی تات‌ها به ترتیب بر پایه سه عنصر آگاهی قومی، خودشناسی قومی و ایستارهای قومی شکل گرفته و هر قدر که زمان می‌گذرد، از شدت عنصر سوم و تا حدی نیز از حدت دو عنصر نخست کاسته می‌شود. همچنانکه گذر زمان، عنصر چهارم یعنی رفتار قومی به فراموشی سپرده شده و تات‌ها الگوی متفاوتی را در رفتار خود دنبال نمی‌کنند.

امیدوارم این مطالعه به ما کمک کند تا روند جامعه‌پذیری تات‌ها را شناسایی نماییم و ضمن درک گرایش، تمایل و رفتار آنان به فرایند توسعه‌ای دست یابیم که منجر به بهبود ایستار هویتی و تعامل تات‌ها با دیگر ایرانیان گردد.

منابع:

- ۱- آرانسکی، یوسف میخائیلوویچ (۱۳۵۸)؛ *مقدمه فقه اللغة ایرانی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- ۲- آقاعلیخانی، علی محمد (۱۳۸۳)؛ *جستاری در زبان و ادبیات تاتی*، بی‌جا: رامند.
- ۳- آل‌احمد، جلال (۱۳۷۶)؛ *تات‌نشین‌های بلوک زهرا*، تهران: فردوس.
- ۴- اوستا (۱۳۸۱)؛ *گزارش و پژوهش جلیل دوست‌خواه*، تهران: مروارید.
- ۵- بولاک، ادوارد (۱۳۶۱)؛ *سفرنامه بولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- ۶- بیرابه مشفق، زهرا (۱۳۷۸)؛ «بیشینه تاریخی قوم تات» *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی*، تاکستان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۷- جعفریان، رسول (۱۳۸۱)؛ «هویت ایرانی در کشاکش تحولات سیاسی ایران در چهار قرن اخیر»، در *مؤلفه‌های هویت ملی در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۸- حاجی‌اف، مقصود (۱۳۷۸)؛ «جامعه و زبان تات‌های جمهوری آذربایجان»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی*، تاکستان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۹- حسین بن خلف تبریزی، محمد (۱۳۵۶)؛ *برهان قاطع*، به تصحیح و اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان (۱۳۷۸)؛ *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی*، تاکستان: آذر.
- ۱۱- *دانشنامه ایران و اسلام* (۱۳۵۴)، جلد اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۲- دبیرسایقی، سیدمحمد (۱۳۷۳)؛ «تات و تاجیک و تازیک»، *تاجیکان در مسیر تاریخ*، تهران: الهدی.
- ۱۳- دلاواله، پیترو (۱۳۷۰)؛ *سفرنامه پیترو دلاواله*، ترجمه شفاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۴- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)؛ *لغت‌نامه*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- ذکاء، یحیی (۲۵۳۶)؛ *کاروند کسروی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرانکلین.
- ۱۶- رحمانی، رضا (بی‌تا)؛ *آشنایی با شهر تاریخی تاکستان (سیادن)*، بی‌نا، بی‌جا.
- ۱۷- رحمانی، روشن (۱۳۸۵)؛ «تاجیکان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هفتم، شماره ۱، صص ۳-۳۲.
- ۱۸- رحمانی، مجید (۱۳۷۸)؛ «وضعیت کنونی زبان تاتی در تاکستان و برخی از مناطق اطراف»، در *دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان*، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی*، تاکستان: آذر.
- ۱۹- ژان دو پلان، کارین (۱۳۶۳)؛ *سفرنامه پلان کارین*، ترجمه ولی‌الله شادان، تهران: فرهنگ‌سرای یساولی.
- ۲۰- سجادی، سیدمحمدعلی (۱۳۷۳)؛ «باز هم تات و تاجیک»، *تاجیکان در مسیر تاریخ*، تهران: الهدی.
- ۲۱- طاهری، عباس (۱۳۷۸)؛ «بررسی گویش تاتی تاکستان»، در *دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان*، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی*.
- ۲۲- طباطبایی، محمد (۱۳۷۳)؛ «درباره لفظ تاجیک و تات»، *تاجیکان در مسیر تاریخ*، تهران: الهدی.
- ۲۳- عبدلی، علی (۱۳۷۸)؛ «نگاهی به هویت و زبان تات»، در *دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان*، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی*.
- ۲۴- عبدلی، علی (۱۳۸۰)؛ *فرهنگ تطبیقی تالشی، تاتی، آذری*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۵- غفوروف، باباجان (۱۹۹۷)؛ *تاجیکان: تاریخ قدیم، قرون وسطی و دوره نوین*، دو جلد، تاکستان: دوشنبه.
- ۲۶- کارنگ، عبدالعلی (۱۳۳۳)؛ «تاتی و هرزنی، دو لهجه از زبان باستان آذربایجان»، *واعظ‌پور*، تاکستان: *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی*.

- ۲۷- کسروی، احمد (۱۳۸۳)؛ *آذری یا زبان باستان آذربایجان*، تهران: خورشید آفرین.
- ۲۸- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)؛ *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاوس جهانداری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- ۲۹- گرگی، عباس (۱۳۸۵)؛ «اینترنت و هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هفتم، شماره ۱، صص ۵۳-۷۰.
- ۳۰- گروه تحقیقات سیاسی اسلام (۱۳۸۱)؛ *مؤلفه‌های هویت ملی در ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۱- ماله، آلبر و ایزاک ژول (۱۳۶۲)؛ *تاریخ ملل شرق و یونان*، ترجمه عبدالحسین هژیر، تهران: انتشارات علمی.
- ۳۲- مرتضوی، منوچهر (بی‌تا)؛ *زبان دیرین آذربایجان*، بی‌نا، بی‌جا.
- ۳۳- مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵)؛ *دایره‌المعارف فارسی*، تهران: دو جلد، امیرکبیر.
- ۳۴- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)؛ *تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ۳۵- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)؛ *قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۳۶- منوچهر، ستوده (۱۳۷۸)؛ «همایش بزرگ تات‌شناسی»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی، تاکستان: آذر.
- ۳۷- نفیسی، سعید (۱۳۷۳)؛ «سرزمین پاک نیاکانم»، *تاجیکان در مسیر تاریخ*، تهران: الهدی.
- ۳۸- نوازنی، بهرام (۱۳۸۲)؛ *جهانی‌شدن و پیامدهای آن برای ایران*، تهران: نگارش علوم.
- ۳۹- هرودوت (۱۳۶۸)؛ *تواریخ*، ترجمه ع. وحید مازندرانی، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب.
- ۴۰- هیتس، والتر (۱۳۷۱)؛ *شاه اسماعیل دوم صفوی*، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴۱- یارشاطر، احسان (۲۵۳۶)؛ *دانشنامه ایران و اسلام*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- 42- Banton Michael, "Ethnic Groups and the Theory of Rational Choice. Sociological Theories": *Race and Colonialism*, UNESCO.
- 43- Bertels, (1950); E.E., *Persidskiy-dari-tadzhikskiy, dar mujale-ye: Sovetskoy etnografii*, Moscow: N4.
- 44- Branch, C., Tayal, P., & Triplett, C. (2000); "The relationships of ethnic identity and ego identity status among adolescents and young adults". *International Journal of Intercultural Relations*, 24.
- 45- Cashmore Elis, (1996); *Dictionary of Race and Ethnic Relations*, 4th ed., London, Routledge.
- 46- Davey, M., Eaker, D. G., Fish, L. S., & Klock, K. (2003); "Ethnic Identity in an American White Minority group". *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3(2).
- 47- Erikson, E. H. (1968); *Group Processes & Intergroup Relations*, 6(1).
- 48- Ferguson, Y. H. and Mansbach, R. W. (2004); "The Meaning of 9/11 and the Invasion of Iraq and the Emerging Post-International World", Paper Presented at the *ISA Annual Convention, Montreal Canada*.
- 49- Marcia, J. (1980); "Identity in Adolescence. In J. Adelson" (Ed.). *Handbook of Adolescent Psychology*. New York: Wiley Interscience.
- 50- Nematov N., (1989); *Davlat-e SSamaniyan*, Dushanbe.
- 51- Phinney, J. (1996); cited in <http://www.uky.edu>.



- 52- Phinney, J. (1990); Ethnic Identity in Adolescents and Adults: Review of research. *Psychological Bulletin*, 108(3).
- 53- Phinney, J. (1992); "The multigroup ethnic identity measure. A new scale for use with diverse groups". *Journal of Adolescent Research*, 7(2).
- 54- Phinney, J. (1993); *A Three-stage Model of Ethnic Identity Development in Adolescence*. In M. Bernal (Ed.), *Ethnic Identity: Formation and Transmission Among Hispanics and other Minorities*. Albany: State of University of New York.
- 55- Phinney, J., Horenczyk, G., Liebkind, K., & Vedder, P. (2001); "Ethnic identity, Immigration and well-being: An interactional perspective". *Journal of Social Issues*, 57(3).
- 56- Roberts, R., Phinney, J., Masse, L., Chen, Y., Roberts, C., & Romero, A. (1999); The Structure of Ethnic Identity of Young Adolescents from Diverse Ethno-cultural groups. *Journal of Early Adolescence*, 29(3).
- 57- Shakuri, Muhammadjan, (1997); *Khurasan Ast in Ja*, Dushanbe.
- 58- Usmanov I., (2001); *Tajikan (Surud-e tarikh-e khalq va zamin)*, Dushanbe.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی